

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندریوف کوریبکو* - Andrew Korybko

برگردان از: حمید محوی

۲۹ نومبر ۲۰۱۹



کودتای نظامی در بولیوی پایان جنگ ترکیبی نیست

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۲ نومبر ۲۰۱۹



رئیس جمهور مورالس به «درخواست» ارتش، پس از این که سازمان کشورهای امریکائی (OAS) با حضور مخفیانه ایالات متحده در پشت پرده اعلام کرده بود که مدارکی مبنی بر بروز تقلب در انتخاب مجدد او کشف کرده است مجبور به استعفاء شد، ولی کودتای نظامی به جنگ ترکیبی علیه بولیوی پایان نخواهد داد. در بهترین سناریوهای احتمالی، شانس خیلی کمی برای توقف اوج گیری خشونت وجود دارد. پیامدهای ساختاری و نهادینه این اردو به شکل

اجتناب ناپذیری به واژگونی حقوق اجتماعی و اقتصادی می انجامد که اکثریت بومی جمعیت بولیوی از آن بهره مند بودند: در نتیجه این خطر وجود دارد که میلیونها نفر به نقطه آغازین بازگردند یعنی به برده هائی برای نظام نئولیبرال جهانست تبدیل شوند.

آغاز پایان؟

در این مرحله، جنگ ترکیبی علیه بولیوی موفق شد رئیس جمهوری را که به شکل دموکراتیک برگزیده شده بود و رئیس دولت قانونی کشور را سرنگون کند، پس از این که رئیس جمهور مورالس به «درخواست» ارتش مجبور به استعفا شد، [در واقع یک کودتا بود] و این کودتا ممکن نبود مگر به دلیل نفوذ از پیش تدارک دیده شده سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده و کنترل نیروهای نظامی بولیوی، و بر این اساس که چنین فرجامی برای آنان حتا پیش از اعلام رسمی آن تضمین شده بود. در ظاهر، ممکن است به نظر رسد که جنگ ترکیبی^۱ به پایان رسیده، پیروزی قطعی برای تغییر رژیم به دست آمده. ولی واقعیت چیز دیگری ست، و بولیوی، دولتی که کاملاً در قلب ژئواستراتژیک^۲ امریکای جنوبی واقع شده با منابع سرشار لیتیوم^۳ خیلی از پایان اردوی جنگ ترکیبی به دور است، و برای اثبات این امر واقع نیز دلایل متعدد خیلی مهمی وجود دارد.

جنگ داخلی از هم اکنون شروع شده است

نخستین دلیل، که در عین حال روشنترین نیز به نظر می رسد، این است که به حد پیشبینی ناپذیری طرفداران رئیس جمهور قدیمی رئیس جمهور مورالس که عموماً از بومیان تشکیل شده اند می توانند دست به مقاومت بزنند، چه در اشکال تظاهرات خیابانی، یا حتا شورش خود جوش که متعاقباً می تواند به آغاز محسوس جنبش رهائیبخش ملی بینجامد که هدفش آزاد سازی کشور از سلطه اولیگارشی نظامی به پشتیبانی ایالات متحده خواهد بود که بولیوی را ناگهان مجدداً پس از ۱۳ سال آزادی به اسارت خود درآورده است.

ارتش بولیوی سعی کرده بود از این سناریو به شیوه پیشگیری کننده جلوگیری کند، دقیقاً پیش از کودتا، همانگونه که رویترز گزارش داده است «عملیات هوایی و زمینی به هدف خنثی کردن گروه های مسلح که علیه قوانین عمل می کنند» عمل کرد، یعنی موضوعی که در وضعیت سیاسی حاضر در بولیوی چیزی به جز نفی واقعیات نیست، عملیات علیه هواداران رئیس جمهور مورالس که غالباً از بومیان تشکیل یافته به اجراء گذاشته شده و مطمئناً علیه اپوزیسیون راست هم پیمان با نیروهای نظامی نبوده که در واقع منشأ شورشهایی بودند که اینجا و آنجا از چند هفته پیش به راه افتاد.

در اینجا باید به یک موضوع جزئی در رویدادهای سریع روز یکشنبه توجه کنیم که از نگاه بسیاری از ناظران پنهان مانده بود، ولی موضوع بروشنی این بود که ارتش حتا پیش از درخواست استعفاء از مورالس قانون را نقض کرد، زیرا بی آن که هیچ گونه صلاحیت قانونی داشته باشد علیه آنانی که به احتمال خیلی قوی پشتیبانان مورالس بودند دست به عملیات زد. با نگاهی به گذشته، می بینیم که نه فقط کودتای نظامی صورت گرفته بوده بلکه مسبقاً به راه اندازی غیر رسمی (بخوانید مخفیانه) جنگ داخلی بوده است: نیروهای نظامی از چارچوب قانونی عملکردشان خارج شدند(در حالی که هنوز از مورالس درخواست استعفاء نکرده بودند) و علیه مردم موضوع گرفتند^۴، در حالی که نظامیان هر گونه نیّتی در این راستا را نفی می کنند. این تغییر دراماتیک وقتی به وقوع پیوست که «اپوزیسیون» رسانه های دولتی در پایتخت را تصرف کرده بودند، در شب شنبه نیز خانه خواهر رئیس جمهور مورالس و دو نفر از فرماندارانش را

^۱ مراجعه شود به مقاله «جنگ ترکیبی». ۱. قانون جنگ ترکیبی

^۲ [en plein cœur géostratégique](#)

^۳ [riche en lithium.](#)

^۴ [s'en prendre au peuple](#)

به آتش کشیدند، و چند روز پیشتر یک شهردار (هوادر مورالس) به دست «اپوزیسیون» به روی زمین کشیده شد [مترجم: موهایش را بریدند، او را کثیف کردند...]⁵

مورالس در تبعید

جای شگفتی نیست که رئیس جمهور مورالس در سخنرانی به مناسبت استعفایش از شهروندان تقاضا کرد⁶ که «حمله به برادران و خواهران را متوقف کنند، آتش زدن و حملاتشان را متوقف کنند»، زیرا پس از آنچه روی داده بود به ویژه با احتساب احتمالی این امر که از عملیاتی که ارتش از همان روز علیه آنان آغاز کرده بود اطلاع داشت، برای جان طرفدارانش ابراز نگرانی می کرد. به همین دلایل، پیش از آن که بتوانند او را به اصطلاح با اعلامیه پی گرد⁷ (احتمالاً به اتهام ارتباط با «بزهکاری» در انتخابات یا بهانه دیگری) مانند قذافی به قتل برسانند، برای پیشگیری از بهانه ها و دعوای اثبات ناپذیر مبنی بر این که مسلح بوده و یا در بازداشت مقاومت کرده یعنی همان بلایی که نیم قرن پیش سر چگوارا آوردند، از پایتخت گریخت.

در فقدان توفیق برای بازداشت سریع او، نیروهای نظامی به پشتیبانی ایالات متحده احتمالاً می توانند در راستای اقدامات «ضد تروریستی» از ایالات متحده یا برزیل درخواست کمک کنند، و مدعی شوند که او و طرفدارانش با پاسداران انقلاب اسلامی در ایران و یا با فارک (نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا FARC) در کلمبیا در تماس بوده اند، و به دلیل مناسبات تنگاتنگ رئیس جمهور مورالس با جمهوری اسلامی ایران، و طرفدارای سرسختانه اش از سوسیالیسم. نیروهای نظامی در عین حال می توانند درخواست مداخله نظامی مستقیم خود را به اتحاد او با مادورو رئیس جمهور ونزوئلا اتکاء دهند و ادعا کنند که با فعالان به اصطلاح «تروریست» در تیبانی هستند و حتا با «چاقاق مواد مخدر». در نتیجه با حساب احتمالات وضعیت برای مورالس و طرفدارانش نامساعد است، حتا در فرضیه ای که به توفیق ایجاد اردوی آزادیبخش ملی می انجامد، یعنی موضوعی که به حقوق قانونی آنان بستگی دارد، البته پس از تصرف دولت توسط قدرت خارجی با حکم میانجیگری و پس از این که جنگ کم شدت داخلی آغاز شود.

نهادینه سازی برده داری نئولیبرالیسم

سناریو در بدترین حالت چنین خواهد بود، ولی سناریوی «بهترین حالت» نیز درخشان نیست زیرا با به قدرت رسیدن جبهه راست به پشتیبانی ایالات متحده، حقوق اجتماعی و اقتصادی به دست آمده برای بومیانی که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می دهند، طی ۱۳ سالی که مورالس در پست ریاست جمهوری بود، بی آن که به جنگ داخلی شدید بینجامد، این حقوق در این سناریوی «بهترین حالت» به سرعت از بین خواهد رفت. به سخن دیگر، در این سناریوی بدترین حالت شاهد خواهیم بود که هواداران [مورالس] سلاح هایشان را تسلیم کنند و اجازه دهند که این روند بدون مقاومت فزینگی به انجام رسد: ولی برای این وضعیت احتمال خیلی کمی وجود دارد، با وجود این، در صورتی که اردوی تروری که علیه آنان به راه افتاده موفق به جمع کردن مردم شود، می تواند به وقوع بپیوندد. باید این موضوع را نیز به عنوان یک عمل انجام شده در نظر بگیریم که شورشگران به نظامیانی خواهند پیوست که از سوی ایالات متحده پشتیبانی می شوند، حاصل این پیوند تشکیل اسکادران های مرگ خواهد بود که هر کسی را که بخواهد مقاومت کند از

⁵ <https://www.youtube.com/watch?v=y0PSBvBiRKs>

⁶ [ait imploré](#)

⁷ [avis de recherche](#)

با درخواست آورد، و مقدماً اعضای دولت [مورالس] هدف آنان قرار خواهند گرفت (چه آنانی که هنوز در پستهای خود باقی مانده اند و چه آنانی که اخیراً برای حفاظت از خانواده هایشان که خطر حمله تهدیدشان می کرد استعفاء دادند)، به همین گونه هوادارانی که بخواهند برای اعتراض و سرنگونی دولت غیر قانونی راهی خیابانها شوند.

در هر صورت، هدف ستراتیژیک کلی که توطئه گران پی گیری می کنند پاکسازی مجموع ساختارهای دولت از سوسیالیستهاست تا آسانتر رژیم هیپر نئولیبرال را به محض فراهم آمدن امکانات تحمیل کنند، یگانه پرستی که بر جا می ماند این است که آیا مردم فعالانه با «موفقیت» مقاومت خواهند کرد یا نه. یکی از پیشبینی پذیر ترین نتایج برای ساختار مؤسسات دولتی این است که خودگردانی مالیاتی (و شاید حتا سیاسی) به پایگاه های «اپوزیسیون» تعلق بگیرد، غنی از گاز، دشتهای «مدیا لونا» که تقریباً همه مستیسوها (دو رگه ها mestizos) در آنجا زندگی می کنند، علاوه بر این کاهش شدید مالیات روی عملیات معدنی خارجی ها در مناطقی که مملو از جمعیت بومی ست : و این بدان معناست که هواداران رئیس جمهور مورالس که غالباً بومی هستند از منابعی که برای تأمین برنامه های اجتماعی اقتصادی شان بدان نیازمندند محروم خواهند شد. نتیجه نهائی طبیعتاً چنین خواهد بود که میلیونها نفر در خطر بازگشت به نقطه آغاز قرار خواهند گرفت، یعنی وضعیت اسارتباری که بومیان پیش از به قدرت رسیدن مورالس با آن آشنا بودند.

«لاتین و امریکائی به سبک لیبیا»

اگر کودتای نظامی پیروز شود، [بومیان] به آینده ای که انتظارشان را می کشد کاملاً آگاهند، غارت حقوق اجتماعی و اقتصادی که به سختی به دست آوردند و نهادینه شدن وضعیت بردگی برای نظام نئولیبرال جهانی مسلک به پشتیبانی الیگارشیک کشورشان و با حمایتهای ایالات متحده و برزیل، پس جای شگفتی نخواهد داشت که سناریوی «بدترین حالت» به وقوع بپیوندد و هواداران بومی رئیس جمهور مورالس برای رهائی ملی دست به قیام تمام عیار بزنند. چنین احتمالی با خود خطر بزرگی را به یدک می کشد، زیرا دولت ستراتیژی «ضد شورش» خود را به شکل «ساده تر» یعنی اسکادرانهای مرگ سازماندهی خواهد کرد و به این ترتیب آنها را به جان هر فردی با میراث بومی بولیوی خواهد انداخت (به ویژه در مناطق روستائی)، و این روند اگر به مرحله تکوین منطقی خود برسد بی گمان به پاکسازی قومی و حتا نسل کشی خواهد انجامید.

برای وضعیت کنونی در حالت کلی، خیلی زود است که بخواهیم جنگ داخلی را پس از استعفای رئیس جمهور مورالس خاتمه یافته اعلام کنیم، این اردوی جنگ ترکیبی با توجه به نتیجه کاملاً فاشیستی که پی گیری می کند به پایان حقیقی خود نخواهد رسید : بازگشت جمعیت بومی به وضعیت برده نئولیبرال. اگر نیروهای محرک حاضر در صحنه را در نظر بگیریم، بولیوی می تواند در آینده به عنوان لیبیا در امریکای جنوبی تلقی شود، و نتایج نیز می تواند بسادگی در مجموع کشورهای امریکای جنوبی گسترش یابد، همان گونه که برای لیبیا اتفاق افتاد و سپس به کل افریقا سرایت کرد.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/le-coup-detat-militaire-en-bolivie-ne-marque-pas-la-fin-de-la-guerre-hybride/5639181>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه. پاریس، ۲۷ نومبر ۲۰۱۹

درباره اندریوف کوریوکو:

تحلیلگر سیاسی امریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور ستراتیژیک ایالات متحده در افریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی^۱ است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس سپوتنیک کار می کند و دوره دکترا در انستیتو دولتی مناسبات بین المللی مسکو MGIMO بوده و «مونوگرافی «جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerres hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un changement de régime](#) (2015) یکی از نوشته های اوست. مقاله حاضر به کتاب نظریه جنگ ترکیبی در آینده ضمیمه خواهد شد.